

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۳N۳۰۷۷۰۷۱ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

صدور حکم و پاسخها در قبال جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

دکتر امیر سماواتی پیروز^۱

استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

نازنین حاجی زاده^۲

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

علیرضا عبدالملکی

کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه غیر انتفاعی دانش البرز، قزوین، ایران

چکیده

یکی از حساس ترین و مهم ترین مراحل رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان، صدور حکم به محکومیت و مجازات ایشان و همچنین مرحله اجرای احکام محکومیت صادره در خصوص این دسته از افراد می باشد، چرا که اهدافی که از اختصاصی و افتراقی بودن دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان در پی آنها بودیم، در نهایت با صدور حکم محکومیت و انتخاب مجازات متناسب، نمود و جلوه و در نهایت آثار خویش را نشان می دهد. صدور حکم در خصوص این دسته از متهمان، بایستی با درنظرگرفتن ضوابط و معیارهای شناخته شده اصول دادرسی ویژه اطفال، از جمله اصل فردی کردن مجازات ها، صدور رای متناسب با منافع اطفال و... صورت پذیرد تا به اهداف ویژه دادرسی افتراقی این دسته از افراد معارض قانون دست یابد. بر این اساس در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیلی، به بررسی موازین و معیارهای صدور حکم و انواع پاسخها و کیفرهای صادره در جرائم اطفال و نوجوانان خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، اصل فردی کردن مجازات، منافع طفل، پاسخ

پیشگیرانه، کیفر

^۱ نویسنده مسئول، Email: amir.samavati@kiaui.ac.ir

^۲ Email: dr.nazaninhajizadeh@yahoo.com

مقدمه

پس از اتمام مراحل تحقیقات مقدماتی در جرائم اطفال و نوجوانان، صدور حکم در خصوص اتهامات این دسته از متهمان، مرحله بسیار حساسی است. بدین جهت که قاضی رسیدگی کننده بایستی با در نظر گرفتن ضوابط و معیارهای شناخته شده اصول دادرسی ویژه اطفال، از جمله اصل فردی کردن مجازات ها، صدور رای متناسب با منافع اطفال و... اقدام به صدور حکم و تعیین کیفر متناسب نماید. در صورتی که نظر دادگاه مبنی بر محکومیت طفل یا نوجوان در خصوص اتهام انتسابی باشد، این واکنش بایستی پاسخی مناسب و انعطاف پذیر با توجه به شرایط و روحیات خاص اطفال و نوجوانان باشد. انتخاب نوع کیفر و پاسخ متناسب در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان از دو بعد واجد اهمیت می باشد؛ نخست، از نظر متنوع کردن پاسخ های دولتی و جامعه‌ی به بزهکاری اطفال و نوجوانان و فردی کردن این پاسخ ها بر حسب خصوصیات هر طفل و نوجوان، جرم ارتكابی وی و نحوه ارتكاب جرم و...؛ دوم، به لحاظ پیشگیری از مزمین شدن بزهکاری در دوران کودکی و سنین پایین که به پیشگیری از تکرار جرم در دوران بزرگسالی منجر می شود. این پاسخ ها می تواند پاسخ هایی با ماهیت کیفری و سرکوبنده و یا پاسخ های پیشگیرانه و اصلاحی باشد که اتخاذ هر کدام از این روش ها، دارای آثار و نتایج کاملاً متفاوتی می باشد که در این پژوهش و در دو قسمت مجزا به بررسی موازین و معیارهای صدور حکم در خصوص جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان و همچنین بررسی پاسخ های نظام عدالت کیفری در قبال جرائم ارتكابی این دسته از افراد خواهیم پرداخت.

بخش اول: صدور حکم در جرائم اطفال و نوجوانان

هدف اصلی از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض با قانون، آموزش، اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیت و ایجاد سازگاری در آنان با ارزش های اخلاقی - اجتماعی و مبانی دینی است، لذا در صورتی که قضات دادگاه اطفال و نوجوانان در خاتمه تحقیقات مقدماتی و دادرسی، ارتكاب جرمی را احراز کنند، باید با لحاظ ضوابط و معیارهای شناخته شده اصول دادرسی ویژه اطفال مبادرت به اتخاذ تصمیم نمایند.^۱ بر این اساس صدور حکم در جرائم اطفال و نوجوانان، بایستی مبتنی بر

۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، بی تا، ص ۲۲.

اصول و معیارهایی باشد که در این گفتار ابتدا به بررسی این اصول و معیارها خواهیم پرداخت.

بند اول: معیارهای تصمیم دادگاه در خصوص جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان

صدور رأی و اتخاذ تصمیم در رابطه با اطفال و نوجوانان، یکی از مراحل حساس و سرنوشت ساز دادرسی به حساب می آید. بر اساس تبصره ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون پکن^۱، در دادرسی اطفال و نوجوانان اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر و... باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع، منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد.^۲ همچنین بر اساس ماده ۱۸/۱ مقررات بیجینگ، چنین مقرر گردیده که مقام قضایی می تواند تصمیمات زیر را اتخاذ کند؛

الف. هدایت، حمایت و مراقبت

ب. آزادی با مراقبت

پ. تحت مراقبت سازمان های حمایت قضایی

ت. جزای نقدی

ث. جبران ضرر و زیان و استرداد اموال

ج. اشتغال به کار عام المنفعه

چ. سپردن به خانواده دیگر

خ. حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت.^۳

در نظام دادرسی کیفری ایران در رابطه با اطفال و نوجوانان پس از پایان تحقیقات و رسیدگی، قاضی دادگاه مطابق ماده ۳۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری، با اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال ظرف یک هفته مبادرت به صدور رأی می نماید. اگر پرونده فاقد دلیل باشد یا جرم به طفل یا نوجوان منتسب نباشد، حکم برائت^۴ صادر می گردد. اگر

۱ . United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules), (۲۹ November ۱۹۸۵)

۲ . دانش، تاج الزمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷ .

۳ . همان منبع، ص ۱۲۸ .

۴ . Acquittal / Acquittal judgment

یکی از موارد ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری^۱ یا قاعده درأ^۲ در پرونده موجود باشد، قرار موقوفی تعقیب^۳ صادر می شود. ولی اگر قاضی پرونده اعتقاد بر مجرمیت طفل یا نوجوان داشته باشد، حسب مورد یکی از تصمیمات مقرر در ماده ۸۸ یا ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همانند معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و... را اتخاذ می نماید. رأی صادره در دادگاه اطفال و نوجوانان در هر صورت و حتی در غیاب طفل یا نوجوان، حضوری محسوب می شود و این رأی یا تصمیم دادگاه با توجه به ماده ۴۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری، علاوه بر متهم و شاکی یا محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی و یا وکیل ابلاغ می گردد. علاوه بر این موارد قانونی، دادگاه صادر کننده رأی، باید در اتخاذ تصمیم خود، از اصولی متابعت و پیروی نماید که به نحو مختصر در ادامه تبیین می گردد.

بند دوم: صدور رأی متناسب با اصل فردی کردن مجازات ها

اصل «فردی کردن مجازات ها»^۴ به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات ها، که استثنایی سهل و ممتنع بر اصل قانونی بودن مجازات ها^۵ وارد نموده است، به معنی اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیات مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده

۱. این موارد عبارت اند از: «الف. فوت متهم یا محکوم علیه

ب. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ. شمول عفو

ت. نسخ مجازات قانونی

ث. شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون

ج. توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون

چ. اعتبار امر مختوم.»

۲. عبارت «ادروا الحدود بالشبهات»، مشهورترین قاعده باب حدود (که نخست در باب حدود مطرح شده و سپس از تسری آن به تعزیرات و سایر مجازات ها بحث شده است) قاعده درأ است. مفاد اجمالی قاعده آن است که حدود با شبهه برداشته می شوند و مجازات حدی تنها در صورتی جاری می شود که هیچ گونه شک و شبهه ای در میان نباشد. (حاجی ده آبادی، احمد، قاعده درأ در فقه امامیه و حقوق ایران، مجله فقه و حقوق، شماره ۶، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

۳. nolle prosequi

۴. The principle of individualizing punishments

۵. The principle of legality of punishments

است و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصفه ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید تخفیف یا تعلیق و... مجازات شود. براین اساس و از آنجاکه افراد از لحاظ شرایط زیستی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... متفاوت اند، تفاوت های مزبور ایجاب می نماید، هر تصمیمی که در جریان رسیدگی نسبت به ایشان اتخاذ می شود، متناسب با این تفاوت ها باشد. متخصصان اصلاح و درمان از این نیز فراتر رفته و در هر مورد تست های ویژه از سوی روانشناسان و متخصصین آموزشی را برای تعیین قابلیت آموزش پذیری افراد تحت آموزش، ضروری می دانند.^۱ رعایت این استلزامات بود که موجب سوق بیشتر قانونگذاران به سمت تناسب هر چه بیشتر مجازات ها با شخصیت افراد و تصویب مواد قانونی همچون ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی^۲ شد، که در نتیجه اجرای آن، فردی کردن مجازات ها با تمام استلزامات آن، در خصوص شخص محکوم محقق می گردد. به عنوان مثال مجازات جزای نقدی روزانه^۳ که از انواع مجازات های جایگزین حبس مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی می باشد، جلوه بارزی از رعایت اصل فردی کردن مجازات است. زیرا از یک طرف، تحقیق پیرامون وضع مالی محکوم علیه به دادگاه اجازه می دهد تا توانایی او را در پرداخت جزای نقدی و اطمینان از وصول آن بسنجد و از طرف دیگر در اجرا، بدون آنکه محکوم علیه از بقیه عواید روزانه خود محروم شود، بتواند همه ماهه بخشی از اندوخته خود را به خزانه دولت بپردازد.^۴ یکی از نموده های اصل فردی کردن مجازات ها در حیطه نظام پاسخ دهی به جرائم اطفال و نوجوانان را، می توان مجازات حبس خانگی^۵ یا اقامت در

۱. Webster Argow, Walter, A Criminal Liability Index for Predicting Possibility of Rehabilitation, Journal of Criminal Law and Criminology, Vol. ۲۶, No ۴, ۱۹۳۵, p ۵۶۲.

۲. «... دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب. شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ. اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت. سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.»

۳. Daily fine / Day fine

۴. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، تهران؛ نشر میزان، چاپ اول،

۱۳۹۲، ص ۱۹۸.

۵. House Arrest

منزل، مذکور در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی دانست. به موجب این مقرر قانونی، دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) ماده ۸۹ این قانون، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند، حکم دهد. اصل شخصی بودن مجازات‌ها را نباید با اصل فردی کردن مجازات‌ها (هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است مؤاخذه می گردد) یکی به شمار آورد؛ زیرا در فرض اخیر توجه به شخصیت مجرم، جنسیت، سن و شرایط ارتكاب جرم و... مورد نظر برای تعیین مجازات می باشد که نسبت به هر یک از مجرمین تفاوت دارد.^۱ و به علاوه اینکه قلمرو حکومت اصل فردی بودن در مرحله دادرسی می باشد، حال آنکه قلمرو حکومت اصل شخصی بودن در مرحله اجرای حکم است.^۲ اصل فردی کردن مجازات‌ها از جمله داده های جرم شناسان است که حقوق کیفری جدید را دچار تحولات وسیعی کرده است. بنابراین اصل قاضی دادگاه کیفری نه تنها باید حقوقدانی مبرز باشد، بلکه این شخص باید یک جامعه شناس جنایی، یک روانکاو جنایی، یک روانشناس جنایی، یک اقتصاددان جنایی و... باشد تا طی پرونده مفتوح شخصیت در کنار پرونده کیفری، ابعاد شخصیتی بزهکار نیز مورد کنکاش و بررسی قرار دهد و میزان حالت خطرناکی^۳ و ظرفیت مجرمانه^۴ مجرم مورد تخمین و تشخیص قرار گیرد. در حقوق کیفری فعلی ما با امعان نظر به نهادهای مختلف تفرید قضایی همچون تعلیق تعقیب و قرار بایگانی پرونده در مرحله دادرسی، تخفیف مجازات، تعلیق مجازات و توبه در مرحله دادگاه و عفو و آزادی مشروط در مرحله اجرا اصل بر عدم حتمیت و قطعیت مجازات‌ها است، امری است که در مکتب نئوکلاسیک از آن به عنوان عاملی برای پیشگیری کیفری^۵ یاد می نماید. اصل فردی کردن مجازات‌ها که از چالش های سر راه اصل تساوی مجازات ها^۶ می باشد، این فرصت را برای قاضی دادگاه

۱. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ص ۴۲۰.

۲. اردبیلی، محمدعلی، نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۵، ص ۶۶.

۳. Dangerousness

۴. Criminal capacity

۵. Criminal prevention

۶. The principle of punishment Equality

کیفری ایجاد می نماید تا با کنکاش شخصیت بزهکار در ابعاد بیولوژیک^۱، سایکولوژیک^۲ و سوشیال^۳، حکمی صادر کند که این حکم، نقش نسخه ای را بازی می نماید که پزشک برای بیمار خود تجویز می نماید.^۴ با این وجود در جامعه قضایی ما حداقل دو چالش عمده مانع اعمال صحیح نهادهای تفرید قضایی می باشد، اول حجم بسیار زیاد پرونده‌های کیفری ورودی به دستگاه عدالت کیفری و همچنین فشار کاری وارد بر شعبات رسیدگی کننده به دلیل سیاست کمی گرایی و آمارگرایی حاکم بر دستگاه قوه قضائیه که این دو عامل، مانع از صرف وقت و زمان کافی توسط قاضی در رسیدگی و صدور حکم متناسب با پرونده شخصیت متهمین و به ویژه متهمین اطفال و نوجوان می گردد.

بند سوم: صدور رای متناسب با منافع طفل و نوجوانان

هنگامی که توسط طفل جرمی به وقوع می پیوندد مراجع صلاحیتدار وارد صحنه می شوند و برای رسیدگی به آن جرم با طفل برخورد می نمایند نحوه برخورد با طفل باید در بردارنده منافع او باشد همانطور که در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی برخورد مرجع صالح باید با در نظر گرفتن منافع طفل باشد، در مرحله تصمیم گیری نیز این مهم باید مدنظر قرار گیرد.

بند چهارم: در نظر گرفتن رهیافت‌های جرم شناسی در صدور احکام

بزهکاری اطفال و نوجوانان در بیشتر موارد، فاقد خشونت زیاد بوده و از عنصر کینه توزی یا خصومت به دور است. بزهکاری آنان در واقع، نتیجه طبیعی یا غیرطبیعی مسیر نیل آنان از مرحله خردسالی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی است. به لحاظ همین تفاوت ها، برخورد با بزهکاری اطفال و نوجوانان، نیازمند شناسایی عمیق شخصیت طفل و در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی وی و در نهایت انتخاب اقدامات اجتماعی - تربیتی و با پاسخ‌های کیفری خاص است. این امر نخستین بار تحت تاثیر اندیشه‌های مکتب تحقیقی^۵

۱ . Biological

۲ . Psychology

۳ . social

۴ . بقائی نظری، فرید و طالونی، سهیل، مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۹، ص ۶۲۵.

۵ . Positivism school of thought

در ششمین کنگره انسان شناسی جنایی^۱ مورد توجه قرار گرفت. در این کنگره توصیه شده بود که قاضی بایستی بتواند بر حسب شرایط فردی - اجتماعی هر طفل، از اقدام‌ها و تدابیر متنوع نسبت به او استفاده کند. همچنین هرگونه رفتار اصلاحی در قبال طفل باید مسبوق به معاینات پزشکی، روانشناختی و بررسی سوابق خانوادگی و نیاکان او باشد.^۲ این سیاست‌های مختلف به تدریج در کشورهای مختلف به شکل تشکیل دادگاه اطفال و در مجامع بین المللی نیز با تصویب اسناد و کنوانسیون‌های بین المللی در حمایت از حقوق شکلی و ماهوی اطفال بزهکار ادامه و به تدریج تکامل و توسعه یافت، به نحوی که امروزه، «حقوق کیفری اطفال»^۳، حوزه ای مورد توجه در نظام قانونگذاری هر کشور است. یکی از رهیافت‌های جرم شناسی در حوزه پیشگیری از جرم^۴ به نحو عام، و حوزه جرایم اطفال و نوجوانان به نحو خاص، تاکید بر استفاده از فرایند «نظریه شرمساری بازگرداننده»^۵ است. فرایند این پیشگیری بدین شکل است که معمولاً حس شرم^۶، مخصوصاً در بین طبقات بالا و متوسط، نقشی محوری را در کنترل رفتار و شیوه زندگی، ایفا می کند. بر این اساس می توان گفت مجموعه ای از شیوه‌ها را که باعث می شوند تا اشخاص درجات مختلفی از رنجش های عاطفی را تجربه کنند، شرمساری^۷ می نامیم، البته به شرطی که هنجارهای پیچیده و مداخله گر احترام و درست کاری، نقض شده باشند. علم به این موضوع، اکثر افراد را از چنین هنجارشکنی هایی باز می دارد. علاوه براین، شرمساری و چنین حضور اجتماعی، افکار و رفتارهای اشخاص را کنترل می کند، حتی زمانی که این اشخاص از نگاه نظارت گونه دیگران در امان هستند.^۸ بر این اساس «بریث ویت»^۱ «شرمساری»^۲ را «همه

۱ . Congress of Criminal Anthropology

۲ . نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، (دیباچه در حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد (مریم عباسچی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

۳ . Children's Criminal law

۴ . Crime Prevention

۵ . ReIntegrative shaming theory

۶ . A sense of shame

۷ . Shame

۸ . جانسون، گری، عدالت ترمیمی؛ شرم و بخشش، مترجمان حسین سمیعی زنوز و مجتبی نقدی نژاد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۹، ص ۲۱۸.

فرایندهای اجتماعی ابراز کننده ناخوشایندی (توصیف می‌کند) که هدف یا تأثیر آنها عبارت است از ایجاد پشیمانی در شخص شرم زده یا محکومیت وی از سوی کسانی که از این شرمساری آگاه می‌شوند».^۳ این شرمساری در باور «بریث ویت» دو گونه است؛ گونه نخست، «شرمساری بد نام کننده»^۴ است که یک احساس کژروی را در شخص شرم زده دامن می‌زند. نوع دوم، «شرمساری بازگرداننده»^۵ نام دارد که زمانی رخ می‌دهد که فرد قانون شکن با فهم نادرست بودن کار خود شرمسار می‌شود، ولی برای بازگشتن به گروه هم‌نوا (اجتماع، جامعه) همچنان اجازه دارد. این نظریه استدلال می‌کند که شرمساری بازگرداننده، بر عکس شرمساری بدنام کننده، به کاهش میزان جرایم می‌انجامد. هر چه به هم پیوستگی یا یکپارچگی اجتماعی بیشتر باشد، فرد، شرمساری بازگرداننده بیشتری دریافت می‌کند و بدین سان، احتمال ارتکاب جرم در او کاهش می‌یابد.^۶ این موضوع درباره یک فرد بزهکار در چارچوب کاهش احتمال تکرار جرم او توجیه می‌شود. در فرایند شرم‌منده سازی، بزهکار علاقه و حساسیت اطرافیان را نسبت به خود درک می‌کند و در اثر تحقق شرم حاصله از بزه ارتكابی در یک فضای احترام آمیز، سعی خواهد نمود که از این به بعد، شهروند مطیع قانون باشد تا دیگر تجربه تلخ شرم را حس نکند.^۷ البته نگرانی‌هایی

۱. John Braith Waite

۲. دو مفهوم شرمساری آشکار (Overt Shame) و شرمساری پنهان (Bypassed Shame)، با جنبه‌های اصلی نظریه شخصیت آدلر (۱۹۵۶) پیوند تنگاتنگی دارد. آدلر بر این باور بود که اگر کودکان در طول دوران حساس بلوغ مورد بی‌مهری واقع شوند، یکی از دو گونه شخصیت بزرگسال را بروز خواهند داد. او نخستین گونه را عقده حقارت یا خود کم بینی می‌نامد که به نظر می‌رسد یک همتای دقیق برای آنچه باشد که شرمساری پنهان نامیده می‌شود. آدلر دومین گونه را انگیزه برای قدرت می‌نامد که با آنچه شرمساری پنهان نامیده می‌شود، برابر است. چنین گفته شده که چون کودکانی که مورد بی‌مهری واقع می‌شوند از احساس طرد و وسرزنش رنج می‌برند، همه نظریه آدلر حاکی از یک شرمساری پویاست.

۳. ولد، جرج، برنارد توماس و جفری اسنیپس، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۴۱۲.

۴. Calumnious Shaming

۵. Re-integrative Shaming

۶. همان، ص ۴۱۲.

۷. وایت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۳۵۵.

وجود دارد که ممکن است بر خلاف تأکید بریث ویت مبنی بر این که شرمسار کردن بزهکاران باید همراه با رعایت احترام نسبت به آنان باشد و چنین شرمساری با اقدامات بازپذیرکننده توسط اجتماع همراه شود، فرآیند شرمساری بزهکاران از منظر روانی به مراسمی ترسناک و تحقیرکننده برای بزهکاران تبدیل شود.

نظریه دیگری که می توان از آن در تعیین میزان و نوع مجازات‌های اطفال و نوجوانان کمک گرفت، «نظریه کنترل اجتماعی»^۱ آقای «هیرشی»^۲ می باشد. مطابق این نظریه، بزهکاری نتیجه تضعیف و سست شدن قیود اجتماعی شخص است. منظور از این قیود اجتماعی، چهار مفهوم «وابستگی»^۳، «تعهد»^۴، «درگیر بودن»^۵ و «باورها»^۶ می باشد. یکی از عناصر این نظریه، وابستگی عاطفی است که بر مبنای آن، اگر شخصی وابستگی‌ها و علقه‌های عاطفی قوی با اطرافیان خود (والدین، دوستان، همسالان، همکاران و...) داشته باشد کمتر مرتکب جرم می شود.^۷ نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی معتقدند برای این که بتوان نظم اجتماعی را برقرار نمود، باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. برطبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی

۱. Social Control Theory

۲. Travis Hirschi

۳. منظور از وابستگی (Attachment) حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران در باره خود نشان می دهد، در حقیقت یک نوع قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می کند. این وابستگی را هیرشی همپایه وجدان و یا من برتر می داند. (مشکاتی، زهراسادات، آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان در تهران بزرگ، مجله دانشکده پزشکی، شماره ۳، ۱۳۷۷، ص ۸۰)

۴. تعهد (Commitment) میزان مخاطره ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماع می کند. بدین معنی فردی که خود را نسبت به قیود اجتماعی متعهد می داند از قبول این مخاطرات پرهیز می کند. اگر وابستگی را همپای وجدان بدانیم، تعهد همپایه عقل سلیم یا خود است. (همان، ص ۸۰)

۵. درگیر بودن (Involvement) میزان مشغولیت فرد در فعالیت ها مختلف است، که باعث می شود او وقت برای انجام کار خلاف نداشته باشد. مثل درگیر شدن در سرگرمی های مدرسه، خانه و اشتغال به فعالیت های فوق برنامه. (همان، ص ۸۰)

۶. منظور از باورها (Belief) میزان اعتباری است که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است، در حالی که می تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، ولی به آن ها پایبند باقی می ماند، مانند باور به نیکوکاری، حسن شهرت و ... (همان، ص ۸۰)

۷. ولد، جرج، برنارد توماس و جفری اسنیپس، منبع پیشین، ص ۲۸۲.

با جامعه باشد. هرگاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد، ما او را شخص منحرف می‌شناسیم. اگر این‌گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم گسیختگی رو به رو شده و دچار ناامنی می‌شود. با کاربرد ابزارهای کنترل و نظارت اجتماعی، جامعه می‌تواند از بروز هر نوع تخلف و بزهکاری جلوگیری کرده و امنیت را در جامعه برقرار سازد. گذشته از این نظارت رسمی، نظارت‌های غیررسمی دیگری چون طرد گروه نیز می‌تواند به عنوان روش‌های موثر نظارت اجتماعی به کار آیند.^۱ از سویی دیگر نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نیروهای درونی فرد و به اصطلاح با تمرکز به حضور روان‌شناختی افراد صاحب نفوذ در ذهن کودک و نوجوان به تبیین و چگونگی جلوگیری از بزهکاری می‌پردازد.^۲ بر این اساس قضات دادگاه اطفال و نوجوانان که اقدام به صدور حکم در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان می‌نمایند، لازم است تمام وابستگی‌ها و افراد صاحب نفوذ در تغییر مسیر زندگی اطفال و نوجوانان را در نظر داشته باشند.

بخش دوم: پاسخ‌های نظام عدالت کیفری در قبال جرایم اطفال و نوجوانان

مهم‌ترین خصیصه حقوق جزا که در عین حال وجه افتراق آن با سایر گرایش‌های حقوقی نیز محسوب می‌شود، پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری در قبال نقض بخشی از مقررات مدون که به آن «جرم»^۳ اطلاق می‌گردد، است. مهم‌ترین و شدیدترین ضمانت اجرای حقوقی نیز ضمانت اجرای کیفری است. دلیل واکنش شدید از یک سو، به ماهیت اعمال ارتكابی که جرم شناخته شده اند برمی‌گردد و از سوی دیگر، به شخصیت فاعل یا مرتکب این اعمال مربوط می‌شود. بر همین اساس حق جامعه و افراد خصوصی برای مقابله با چنین شرایطی محفوظ و به رسمیت شناخته شده است. واکنش جامعه در ازای رفتارهایی که به قصد نقض مقررات اجتماعی ارتكاب یافته اند یا نتیجه قهری آن محسوب می‌شوند، تحت عنوان «مجازات»^۴ و «اقدامات تأمینی و تربیتی»^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. به

۱. محسنی تبریزی، علی، وندالیسم، تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳، ص ۹۰.

۲. مشکانی، زهراسادات و رضوی، منصور، کتاب جامع بهداشت عمومی (فصل ۱۲: بزهکاری به عنوان آسیب اجتماعی)، جلد سوم، تهران: انتشارات ارجمند، چاپ چهارم، ۱۳۹۸، ص ۱۹۴۷.

۳. Crime / Offence

۴. Penalty / Punishment / Retribution

دنبال تحولات شگرفی که در نوع روابط اجتماعی حاصل شده است، در مفهوم، دامنه و کیفیت جرم و مجازات نیز تحولات قابل توجهی رخ داده است.

سیر تاریخی واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان نشان می دهد که این واکنش به صورت پاسخی سنتی، در قالب مجازات و اقدامات تنبیهی خشن در گذشته به تدریج بر اثر تحولات اجتماعی و یافته‌های علوم مختلف حقوق جزا، جامعه شناسی، روانشناسی و... به سوی پاسخی مناسب و انعطاف پذیر با توجه به شرایط و روحیات خاص اطفال و نوجوانان گام برداشته است.^۲ با توجه به اینکه نظام‌های حقوقی و کیفری غالباً از نوع سنت گرایی رنج برده و محافظه کار محسوب می شوند، امروزه که عصر تحولات سریع محسوب می شود، دچار نوعی آفت انفعال گرایی^۳ شده اند. اثر مستقیم تمایلات اصلاحی و توأم با احتیاط، اکتفا به حداقل اصلاح و تغییر و تحول در حقوق کیفری است. زمینه‌های این اصلاح عموماً در بعضی از حوزه‌های حقوق جزا ظاهر، و به مورد اجرا گذاشته شد. مهم ترین قلمرویی که متأثر از این افکار گردید و در عین حال تردیدی بر استحقاق آن نسبت به تجدیدنظر و تعدیل نیز وجود نداشت، قلمرو حقوق کیفری اطفال بود. نظر به اینکه اصول حاکم بر حقوق کیفری اطفال و اهداف آن با حقوق کیفری عمومی متفاوت هستند، لذا ابزارها و مجازات‌ها نیز باید متحول شده و متفاوت پیش بینی شوند. بنابراین، چگونگی رویارویی با بزهکاران نوجوان، دست کم از دو جهت، واجد اهمیت است؛ نخست، از نظر متنوع کردن پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ای به بزهکاری اطفال و نوجوانان و فردی کردن این پاسخ‌ها بر حسب خصوصیات هر طفل و نوجوان، جرم ارتكابی وی و نحوه ارتكاب جرم و...؛ دوم، به لحاظ پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری در دوران کودکی و سنین پایین که به پیشگیری از تکرار جرم در دوران بزرگسالی منجر می شود.^۴ بر این اساس در این بند به انواع پاسخ‌های نظام عدالت کیفری در قبال جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان، بر اساس قوانین داخلی و مقررات اسناد بین المللی خواهیم پرداخت.

۱. Security and educative measures

۲. رجوع کنید به؛ حجتی، مهدی، تحول واکنش اجتماعی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۵، ۱۳۸۰، ص ۹ - ۴۰.

۳. Passivity

۴. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸.

بند اول: پاسخ‌های پیشگیرانه (غیر کیفری)

مطابق بند ۱ از اصول «رهنمودهای ریاض»^۱ «پیشگیری نوجوانان، بخش اساسی پیشگیری از جرم^۲ در اجتماع می باشد. با مشارکت‌های قانونی و از نظر اجتماعی مفید و با اتخاذ موضعی بشردوستانه نسبت به اجتماع و نگرشی انسانی درباره زندگی، می توانند نگرش‌های غیرمجرمانه را در خود پرورش دهند.» جهت تحقق این هدف اساسی مقوله‌های چندی از جمله نقش تربیت و نظارت اجتماعی، نقش خانواده، مداخلات آموزشی، ممانعت از تحمیل کار اجباری بر نوجوانان و نقش رسانه‌های جمعی را مورد توجه قرار می دهد. هدف «رهنمودهای ریاض» در بحث تربیت و نظارت اجتماعی، آن است که کودکان به نحو شایسته ای تربیت شوند؛ زیرا این امر باعث پیشگیری از بزهکاری آنان می شود. در این راستا رسانه‌ها و شبکه‌های رسمی و غیر رسمی در پرورش کودک تأثیر بسزایی دارند. در ارتباط با نقش خانواده، بند ۱۲ این رهنمود مقرر می دارد: «از آنجا که خانواده، هسته مرکزی و مسئول تربیت اولیه کودکان است، دولت و جامعه باید در حفظ استحکام واحد خانواده و خانواده سنتی بکوشند. جامعه همواره در مراقبت و حمایت از سلامت جسمی و فکری کودکان مسئول است و باید خانواده را مساعدت دهد و در موارد گوناگون از جمله نگهداری خردسالان امکانات کافی فراهم آورد.» روانشناسان معتقدند کودکانی که در خانواده‌هایی زندگی می کنند که با کمبود این روابط مواجه اند، بیشتر تمایل به ارتکاب رفتار قانون شکنانه دارند. به طور مسلم، چون خانواده نقش مهمی در ارتکاب بزهکاری اطفال و نوجوانان ایفا می کند، اولین واحد مداخلات بازدارنده نیز باید در آنجا باشد.^۴

علاوه بر این مسائل، سیستم آموزشی نیز در آگاه کردن کودکان از حقوق و وظایفشان نقش مهمی دارند. «رهنمودهای ریاض» در بند ۴۰ تا ۴۴ به تأثیر مثبت وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون و فیلم‌ها، بر کودکان و نوجوانان تأکید می کند. به طور کلی، همه

۱. United nations guidelines for the prevention of juvenile delinquency (The Riyadh guidelines)

۲. رهنمودهای سازمان ملل متحد ناظر بر پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)، مصوب و اعلان مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۲ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵.

۳. Crime Prevention

۴. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، منبع پیشین، ص ۲۰۳.

این تدابیر و سازوکارها اگر به طور صحیحی به کار گرفته شوند، تأثیر مهم و بسزایی در پیشگیری از بزهکار شدن افراد نوجوان خواهد داشت.

در پیشگیری از بزهکاری کودکان، به عنوان نخستین پاسخ نظام عدالت کیفری، که به «پیشگیری رشدمدار»^۱ معروف است، با شناسایی اطفالی که زودتر از سنین معمول رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه از خود نشان داده اند، تلاش می شود تا ضمن شناسایی خلاء ها، کمبودها یا مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی، فرهنگی و... که به این دسته رفتارها منجر شده اند، با خود آنان یا در صورت لزوم با اعضای خانواده آنان، معلمان و همکلاسی ها در مدرسه، همسایگان در محله، گروه همسالان و همبازی ها و... برخورد متناسب صورت گیرد. بنابراین در پیشگیری رشدمدار هدف، جلوگیری از مزمن، پایدار و مقاوم شدن جرم در آینده است.^۲

در حقوق داخلی نیز، قانون پیشگیری از وقوع جرم مشتمل بر ده ماده و هفت تبصره که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم شهریور ماه ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، در تاریخ ۲۱ / ۶ / ۱۳۹۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات کلی در شش ماده و پنج تبصره موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. مطابق ماده ۱ این قانون پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن. همچنین در ماده ۲ این قانون، تشکیل شورایی با عنوان «شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم» پیش بینی شده است.^۳ وظایف این شورا، عبارت است از:

۱. Early Prevention of Crime

۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۵۸۹.

۳. مطابق ماده ۲ این قانون، اعضای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، عبارت اند از:

۳. رئیس قوه قضائیه (رئیس شورا)

۲. معاون اول رئیس جمهور (نائب رئیس)

۳. نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی

۴. معاون اول رئیس قوه قضائیه

۵. دادستان کل کشور

۶. رئیس سازمان بازرسی کل کشور

۷. وزیر کشور

۱. تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسؤول در امر پیشگیری
۲. تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرائی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام
۳. بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها
۴. بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسؤول در این زمینه
۵. اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه‌پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه.
- همچنین در اجرای مصوبات این قانون، هر یک از قوا موظفند با استفاده از ساز و کارها و ساختارهای خود نسبت به تحقیق و مطالعه درباره علل وقوع جرم و راههای پیشگیری از آن اقدام نمایند و نسخه‌ای از نتایج به دست آمده را برای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم

-
۸. وزیر اطلاعات
 ۹. معاون حقوقی رئیس‌جمهور
 ۱۰. وزیر دادگستری
 ۱۱. وزیر امور اقتصادی و دارایی
 ۱۲. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
 ۱۳. وزیر آموزش و پرورش
 ۱۴. فرمانده نیروی انتظامی
 ۱۵. فرمانده نیروی مقاومت بسیج
 ۱۶. رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران
 ۱۷. رئیس دیوان محاسبات کشور
 ۱۸. رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی
 ۱۹. رئیس کمیسیون اصل نودم (۹۰) مجلس شورای اسلامی
 ۲۰. رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
 ۲۱. رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر
 ۲۲. وزیر یا رئیس نهاد ذی ربط حسب موضوع به تشخیص رئیس شورا
 ۲۳. یکی از معاونان رئیس قوه قضائیه به انتخاب ایشان به عنوان دبیر شورا

ارسال کنند. بر این اساس و با توجه به وظایف و کارکردهای ذکر گردیده شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، می توان این مورد را یکی از مصادیق پیشگیری غیرکیفری در حقوق داخلی دانست.

بند دوم: پاسخ‌های اجتماعی یا اقدامات جایگزین (قضا‌دایی)

منظور از پاسخ‌های اجتماعی^۱ یا اقدامات جایگزین، پاسخ‌هایی است که با مشارکت جامعه مدنی و با هدف آموزش اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار اعمال می شود. در این رویکرد، از دادرسی رسمی کیفری^۲ و تماس کودک یا نوجوان با نظام قضایی اجتناب می شود. اقدامات جایگزین، متمرکز بر حل و فصل منازعات به روش‌های مسالمت آمیز و دوری از خشونت و آگاهی بخشیدن به کودک یا نوجوان نسبت به قبح رفتار خود و ایجاد حس مسئولیت پذیری در اوست. این نوع پاسخ، شباهت زیادی به مفهوم «قضا زدایی»^۳ دارد که بر اساس این روش نیز، جرایم ارتكابی در غالب موارد، به وسیله شاکی یا مامور تحقیق به پلیس ارجاع نمی شود و بدین سان اختلافات، بدون رجوع به دستگاه قضایی، حل و فصل می شود.^۴ این روش‌ها که در نظام حقوقی کشورها رو به گسترش است، در خصوص جرایم کوچک یا متوسط، مشروط به اعتراف^۵ کودک یا نوجوان و فقدان سابقه سوء^۶ او اعمال گردیده و کارآمدی مناسبی از خود بروز داده اند. پاسخ‌های اجتماعی یا اقدامات جایگزین که مورد توجه قرار گرفته است، و نسبت به اطفال بزهکار اعمال می گردد شامل میانجیگری^۷، تعلیق تعقیب^۸، تعویق صدور حکم^۹، حبس خانگی^{۱۰}، حبس پایان هفته، توبیخ

۱ . Community Sentences

۲ . Formal criminal proceedings

۳ . Diversion

۴ . نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷.

۵ . confession

۶ . Criminal record

۷ . intercession/ interceding/ mediation

۸ . Pursuit Suspension

۹ . Adjournment of the issuing of judgment / Deferred Sentence

۱۰ . Home Confinement

و مراقبت، ارائه خدمات عمومی رایگان^۱ و..... می باشد. بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده در خصوص تأثیرگذار بودن اینگونه پاسخ‌ها نسبت به اطفال بزهکار، نشانگر موفقیت این نوع اقدامات جایگزین است.^۲

قانونگذار ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، در فصل نهم از بخش دوم کتاب اول قانون فوق الذکر، در مواد ۶۴ الی ۸۷، موادی را به بحث جایگزین‌های حبس یا مجازات‌های بینابین یا اجتماعی اختصاص داده است. یکی از این مجازات‌های جایگزین خدمات عمومی رایگان یا کار عام المنفعه است که در مورد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال طبق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به عنوان مجازات اصلی استفاده می شود.^۳

بر این اساس، یکی از پاسخ‌های نظم عدالت کیفری نسبت به اطفال و نوجوانان استفاده از اقدامات جایگزین است که البته برخی از این اقدامات در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی شده اند:

— خدمات عمومی رایگان (بند ت ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی)

— حبس یا اقامت در منزل در ساعاتی معین معادل حبس خانگی در حقوق فرانسه (تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی).

تدابیر و اقدامات زیر مجموعه مفهوم قضازایی در دادرسی اطفال و نوجوانان را، جهت بررسی دقیق تر می توان در دو مرحله، شامل؛ قضازدایی پیش از دادرسی و قضازدایی در حین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار داد.

۱. قضازدایی پیش از دادرسی

یکی از مصادیق اعلی قضازدایی در اقدامات پیش از رسیدگی را، می توان در بحث قرارهای تامین کیفری اطفال و نوجوانان مقرر در ماده ۲۸۷ قانون آئین دادرسی کیفری مشاهده نمود. در این ماده اصلی ترین قرار تامین کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان، سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی یا نهادهای اجتماعی و التزام این افراد به حاضر نمودن اطفال و نوجوانان در موارد لازم نزد مرجع قضایی می باشد.

۱. Community Service Order

۲. خواجه نوری، یاسمن، سیاست جنایت قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار؛ جلوه ها و چالش ها و آثار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳.

۳. مختارزاده، میثم، قانون یار حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات چتر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲.

در مواد ۸۰ تا ۸۳ نیز قانونگذار در مرحله تعقیب به ویژه مواد ۸۰، ۸۱، ۸۲ با رویکردی نوآورانه نسبت به قانون پیشین و با گسترش اختیارات دادستان، جلوه‌هایی از بایگانی کردن پرونده و در نهایت قضازدایی را گنجانده است. یکی از مصداق‌های بارز قضا زدایی در روند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های کیفری به نحو عام، «ترک تعقیب» از سوی شاکی می باشد. انگیزه تاسیس چنین نهادی، حمایت مستقیم از بزه دیده است و مقنن در سیر تفکر خویش، درصدد ایجاد فرصت حقوقی مناسب و شایسته برای بزه دیده است. این قرار تاسیسی است که ریشه در منابع فقهی دارد، زیرا حکم دادگاه اگر چه از سوی قاضی صادر می‌شود اما ترک محاکمه حق شاکی است و می تواند از این حق صرف نظر نماید. چنین موقعیتی اهرم ضمانتی است که بزه دیده می تواند از آن در راستای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم متهم استفاده کند و چنانچه متهم از جبران خسارت منصرف شود یا تمایل چندانی به جبران خسارت نداشته باشد، مجدداً درخواست تعقیب کند.^۱ اصولاً متهم برای خلاصی از محاکمه و عدم مواجهه با محکومیت کیفری، اقدام به جبران خسارت را می پذیرد و در این زمینه تلاش می‌کند، که این امر به نوبه خود حمایت از متهم محسوب می شود و مقنن درصدد بوده است تا با ایجاد چنین فرصتی، وی سزاوار کیفر نباشد و در مسیر فرایند اجرای مجازات قرار نگیرد.

همچنین مطابق ماده ۸۰، با وجود شرایط پیش‌بینی شده در این ماده، دادستان می‌تواند فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. در حقیقت دادستان این اختیار را دارد که با رعایت حقوق شاکی خصوصی و وجود شرایطی خاص، از ادامه تعقیب متهمی صرف نظر کند که این تاسیس، استثنایی بر اصل الزامی بودن تعقیب^۲ است. به این معنا که در این موارد خاص، دادستان می‌تواند از شکایتش نسبت به متهم صرف نظر کند، به شرطی که به حقوق شاکی خصوصی لطمه‌ای وارد نشده و متهم سابقه محکومیت مؤثر کیفری^۳ نداشته باشد.

۱. ابراهیمی، پیمان، بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲- ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۰۶.

۲. The Legality of Criminal Prosecution / The Mandatory of Criminal Prosecution

۳. منظور از محکومیت مؤثر کیفری، صرفاً موارد مقرر گردیده در بندها سه گانه ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی است، که عبارت اند از:

نهاد حمایتی بایگانی پرونده، مشمول آن دسته از جرایمی است که از نوع تعزیری (محرمات شرعیه یا نقض مقررات حکومتی) است و آن هم مقید به درجه هفتم و هشتم^۱ است، لذا این امتیاز قانونی شامل جرایم تعزیری از درجه یک تا شش نیست، بنابراین جزو جرایم تعزیری به طور مطلق نیست، بلکه مقید به آن دسته از جرایم تعزیری است که مجازات قانونی آنها کمتر از ۶ ماه حبس باشد. اگر شاکی در جرایم قابل گذشت^۲، اعلام گذشت کند، به استناد ماده ۱۲ و ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، مقام قضایی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند که تحقق این امر برای مقام قضایی، جنبه تکلیفی دارد و نیازی به صدور قرار بایگانی کردن پرونده نیست. بنابراین با این توصیف، این نهاد فقط مشمول جرایم غیرقابل گذشت^۳ است که جنبه عمومی صرف داشته یا حیثیتی باشد و شامل جرایم قابل گذشت نخواهد بود.

بنابر مواد ۸۰ و ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایران اگر شاکی مشخص باشد، در صورتی دادستان می‌تواند قرار تعلیق تعقیب یا بایگانی پرونده را صادر کند که شاکی گذشت کرده باشد یا در خصوص تعلیق تعقیب، خسارت وارده جبران شده یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود.^۴

«الف. هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
ب. سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار
پ. دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.»
۱. این مجازات‌ها عبارت‌اند از:
- حبس تا شش ماه
- جزای نقدی تا بیست میلیون ریال
- شلاق تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

۲. Remissionable crimes

۳. جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد. در مقابل، جرائم قابل گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. (تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲).

۴. محمدی، شهرام و رستگار مهجن آبادی، محمدباقر، اصل رقابت در دادرسی کیفری در پرتو نظام حقوقی فرانسه و

همچنین مطابق ماده ۸۱ این قانون، با شمول شرایط این ماده دادستان می‌تواند تعقیب متهم را از شش ماه تا دو سال معلق نماید. یکی از آموزه‌های مکتب «عدالت ترمیمی»^۱ که به نوعی در راستای پذیرش اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری^۲ و نیز اصل فردی کردن مجازات^۳ است، تعلیق اجرای مجازات می‌باشد. منظور از تعلیق اجرای مجازات، متوقف ساختن مجازات کسی است که به کیفر تعزیری محکوم شده است، تا چنانچه در مدت معینی مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورات دادگاه تبعیت نماید، محکومیت او کأن لم یکن تلقی شود.

نهاد تعلیق تعقیب، در قانون مجازات اسلامی سابق نیز پذیرفته شده بود و در قانون مجازات اسلامی جدید نیز با تغییراتی پیش‌بینی شده است. جلوگیری از تحمل عواقب زیان بار مجازات زندانی از ناحیه مرتکب و خانواده او، بهره‌مندی جامعه از نیروی کار مجرم، فرصت دادن به مجرم جهت انطباق رفتار خود با هنجارهای جامعه و نهایتاً رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و گاهی توسل به انصاف در اجرای امور کیفری، جملگی توجیهاتی است که برای توسل به سازوکار نهاد بسیار قدیمی تعلیق اجرای مجازات بیان شده است. به خصوص این‌که آثار زیانبار بسیاری از جرایم، به حدی نیست که جامعه خواهان کیفر دادن مرتکب باشد.

بر این اساس از ابتدای نظام قانون‌گذاری ایران یعنی از سال ۱۳۰۴ به بعد، این نهاد حقوق کیفری وجود داشته است و در سال ۱۳۴۶ با تصویب قانونی خاص با عنوان «قانون تعلیق مجازات» مشتمل بر هفده ماده، مقررات این نهاد تکمیل گردید. پس از آن در قوانین مجازات اسلامی مصوب سال‌های ۱۳۵۲، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ همواره شاهد مقررات مربوط به تعلیق اجرای مجازات بوده‌ایم. در این قانون نیز به موجب مواد ۴۶ تا ۵۵ این تأسیس حقوقی در مجازات‌های تعزیری حفظ شده است. پیش‌بینی تعلیق مجازات، آزادی مشروط که خود با اهداف قضازدایی و کاهش جمعیت کیفری و ترمیمی کردن عدالت کیفری پیش‌بینی شده پیش‌تر در قانون قبلی لحاظ شده بود در مرحله اجرا، و با اندکی تغییر در

ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۹.

۱. Restorative justice

۲. The Principles of Prosperity of Prosecution

۳. The principle of individualization of punishment

شرایط شکلی آن (و نه اهداف آن) و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سپس شرایط اجرایی آن در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی شد. مطابق ماده ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مطابق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و نیز نحوه اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

شاید پیش‌بینی تأسیس حقوقی تعویق مجازات توسط مقنن، که ابتدا به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ وارد قانون مجازات فرانسه شده بود را، بتوان گامی نوین در راستای ترمیمی کردن عدالت کیفری دانست.

همچنین قانونگذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، برای اینکه بتواند رابطه بزه‌کار و بزه‌دیده را ترمیم کند، موضوع میانجیگری^۱ و عدالت ترمیمی^۲ را مورد توجه قرار داده و در ماده ۸۲ این قانون، برای نخستین بار به موضوع میانجیگری و صلح و سازش میان بزه‌کار و بزه‌دیده توجه کرده است. بر اساس ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد.

۲. قضا‌دایی در حین دادرسی

یکی از نمودهای بارز قضا‌دایی در دادرسی کیفری که در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز جایگاه ویژه‌ای یافته است، بحث مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد.

۱ . intercession/ interceding/ mediation

۲ . Restorative justice

«مجازات‌های جایگزین حبس»^۱ مجموعه ای از راهکارها و ضمانت اجرای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و نازوری است، بکار گرفته می شود. به بیانی دیگر جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می شود. با این اوصاف بدیل هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد.^۲ بنابراین منظور از مجازات‌های جایگزین حبس، مجموعه ای از واکنش‌های جزایی است که می توانند جایگزین مجازات حبس شوند. در برخی تعابیر، مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس به نحو ترادف و به جای یکدیگر استعمال شده اند. با این وجود، این کاربرد از انطباق این دو حکایت نمی کند، زیرا مجازات اجتماعی صرفاً شامل واکنش محدود کننده آزادی می شود، اما مجازات جایگزین حبس، علاوه بر آن شامل مجازاتی می شود که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیست.^۳ در نظام کیفری کشور ما، منظور از مجازات‌های جایگزین حبس، همان پنج نوع مجازات احصا گردیده در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی^۴ به عنوان مجازات جایگزین حبس می باشد. در برخی کشورها استفاده از جایگزین‌ها برای اطفال بزهکار با استقبال مواجه شده است، ولی در مجموع و به ویژه درباره بزهکاران بزرگسال، دادگاه‌ها تمایلی به پذیرش این واکنش‌های جدید از خود نشان نداده اند، به عنوان مثال، در انگلستان در سال ۱۹۷۱ میلادی، فقط هفت درصد از بزهکاران بزرگسال مذکر به تعلیق

۱. Alternatives to Custody

۲. ایول اسال، ژان، جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰.

۳. ریاحی، جواد، مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام، رساله دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، ص ۴۲.

۴. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی؛ «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می شود.»

مراقبتی محکوم شده بودند و این نسبت در سال ۱۹۸۵ نیز همان هفت درصد گزارش شده است. درباره بزهکاران بزرگسال مؤنث نیز در این مدت فقط افزایش سه درصدی مشاهده شده است، یعنی از پانزده به هجده درصد رسیده است.^۱

با عنایت به توجیهات و اهداف مجازات‌ها، صرفاً یک نوع از مجازات‌های جایگزین مقرر شده در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، در خصوص اطفال و نوجوانان، نتیجه بخش و در نتیجه قابل صدور می باشد، که عبارت است از دوره مراقبت. «دوره مراقبت^۲» را می توان چنین تعریف کرد؛ «آزادی محکوم به حبس در مدت معین زیر نظارت قاضی اجرای احکام برای انجام دستور یا دستورهای خاصی که مجرم را اجتماعی می کند.»^۳

اصطلاح دوره مراقبت یا به تعبیری «تعلیق مراقبتی فشرده^۴» که یکی از ضمانت اجرای اجرای نوین^۵ است که برای کاهش آثار تبعی زندان ایجاد گردیده است. لذا باتوجه به اینکه دوره مراقبتی نیز در عمل همان شرایط و آثار تعلیق مراقبتی فشرده را دارا می باشد و یک ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس محسوب می شود، از این رو، هر جا از تعلیق مراقبتی فشرده صحبت می شود منظور ناظر بر دوره مراقبتی نیز می باشد.^۶ در حقیقت تدابیر و دستوراتی که برای اعمال تعویق مراقبتی در مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده

۱ . Brownlee, Ian; Community Punishment: A Critical Introduction; First edition, London: Longman, ۱۹۹۸, p۲۲.

۲ . Probation

۳ . زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، ص ۵۷.

۴ . Probation

۵ . کفاشی از اهالی امریکا مبتکر طرح «تعلیق مراقبتی» بود. قاضی مرد دائم الخمری را به اعمال شاقه در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرده بود، وی که حکم را ناعادلانه می دید وثیقه پرداخت و وظیفه ی بازپروری محکوم را به عهده گرفت به این شرط که ظرف سه هفته دائم الخمر را ترک دهد وگرنه مرد مست دوباره محاکمه شود، سه هفته گذشت و دیگر خبری از آن مرد دائم الخمر نبود بلکه او به مردی هشیار مبدل شده بود، قاضی که تحت تاثیر قرار گرفته بود از تحمیل مجازات معمول صرف نظر کرده و او راتنها به پرداخت یک سنت جریمه نقدی محکوم کرد. آگوستوس (Augustus) در مدت ۱۸ سال بسیاری از مجرمین را به همین شیوه از زندان آزاد کرد و بر اساس گفته خودش تنها یک مجرم به او خیانت کرد و گریخت. موفقیت وی در بازپروری بزهکاران به قانونی شدن کیفر «تعلیق مراقبتی» در ایالات متحده امریکا انجامید.

۶ . آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بنیادین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۶۵.

است، در طی دوره مراقبت نیز به اجرا در می آید.^۱ تدابیری که برای فرد در این دوره در نظر گرفته می شود، معمولاً بر دو نوع اند؛

(۱) تدابیر عام که برای همه مجرمان صرف نظر از نوع جرم ارتكابی تعیین می شود، که در بندهای الف تا ت ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی، به آن اشاره شده است.

(۲) تدابیر خاص که برای مجرمان خاص جهت برآوردن نیازهای خاص آنها برای مقاصد بازپروری و محافظت از جامعه تعیین می شود. این نوع تدابیر معمولاً برای مجرمانی در نظر گرفته می شود که به دلیل نیازهای روانی یا جسمی خاصی که دارند، در دام ارتكاب جرم می افتند، مانند مجرمان جنسی سابقه دار و مجرمان دارای اختلالات روانی. برای این مجرمان دستوراتی خاص جهت برآوردن این نیازها یا پرهیز از برخی شرایط و محیط‌های تحریک آمیز در نظر گرفته می شود. از جمله این دستورات می توان به دستور مراجعه مداوم و مستمر برای گرفتن مشاوره از روان پزشک یا روانکاو اشاره کرد. به این تدابیر خاص در تبصره ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی، اشاره شده است.^۲

از جمله محاسن انتخاب مجازات دوره مراقبت برای جرایم اطفال و نوجوانان، می توان به تامین هدف اصلاحی - درمانی مجازات به میزانی بالا اشاره نمود. یکی از مهم‌ترین هدفی که دانشمندان حقوق جزا برای مجازات قائلند «اصلاح و تحول مجرم» است، به طوری که بتوان پس از مجازات، وی را چون فردی سالم و شرافتمند تحویل جامعه داد. طرفداران این نظریه معتقدند کیفر دیدن مجرم، ضربه‌ای روحی بر وی وارد می‌آورد و بدین ترتیب ضمن آگاهی از غلط بودن اقدامش و ندامت از عملکردش در شرایط معمول، تصمیم خواهد گرفت زندگی خود را در آینده اصلاح کند.^۳ اما در خصوص سایر انواع مجازات‌های جایگزین حبس، از جمله مجازات «خدمات عمومی رایگان»^۴، با توجه به معایب متعددی که از جنبه‌های گوناگون، این مجازات‌ها بر اطفال و نوجوان دارند، صدور آنها پیشنهاد نمی‌گردد. یکی از مهم‌ترین این معایب، خطر انگشت نما شدن و برچسب زنی^۵ است. در ارزیابی‌های به

۱. ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی.

۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، منبع پیشین، ص ۱۴۰.

۳. مقیمی حاجی، ابوالقاسم، فلسفه مجازات در اسلام (۱)، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۱۴.

۴. Free public services / community service

۵. Labeling

عمل آمده، برچسب خوردگی ناشی از وارد شدن در چرخه مجازات، واقعیتی انکارناپذیر و مورد تاکید آموزه‌های اسلامی دانسته و اسلام تلاش دارد تا با راهکارهایی مانند بزه پوشی، عفو، توبه و اصلاح ذات البین از گرفتار شدن فرد در روند تعقیب کیفری و مجازات و به تبع آن بدنامی و برچسب خوردگی ناشی از آن، جلوگیری کند. از سویی دیگر یکی از معایب بارز مجازات جایگزین از نوع خدمات عمومی رایگان، به ویژه در شهرهای کوچک که افراد بومی و شناخت کاملی از اهالی دارند، برچسب زنی و انگشت نما شدن شخص متهم در جامعه می باشد. برچسب زنی با تحریک روحیه انگ پذیری و تقویت حالت خطرناک^۱ احتمال انحرافات بعدی را افزایش می دهد. داغ این ننگ حالتی را ایجاد می کند که می تواند فرد را به سوی انحراف و اتهام ترغیب نماید. نتایج تحقیقات نشان می دهد که بین سابقه انحرافی فرد، تصویری که فرد از خود پیدا می کند و برچسبی که دیگران به وی می زنند رابطه وجود دارد.^۲ بر این اساس در خصوص بزهکاری ثانویه یا تکرار بزهکاری^۳، استدلال پیروان نظریه برچسب زنی این است که وقتی فردی به عنوان بزهکار دستگیر می شود این برچسب هم تصویر شخص از خودش را تغییر داده و موجب می شود شخص بتدریج در نقشی که این برچسب برای وی تعیین کرده، فرو رود و هم اینکه تکرار برچسب موجب می شود مردم به دلیل «شرطی شدن»^۴ بتدریج به جای قضاوت در مورد خود شخص، نسبت به آن برچسب اعم از مطابق واقع بودن یا نبودن واکنش نشان دهند.^۵ بر این اساس این ویژگی، در خصوص مجازات خدمات عمومی، جلوه بارزتری دارد. دو مجازات دیگر جایگزین حبس مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، یعنی مجازات «جزای نقدی»^۶ و «جزای نقدی روزانه»^۱ نیز، با عنایت به تنافی با اصل شخصی بودن مجازات ها^۲ و

۱ . Dangerousness

۲ . هاشمی، سیده فاطمه، نظریه برچسب زنی در حقوق کیفری ایران، سومین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان، دبیرخانه دائمی همایش، ۱۳۹۷، به نقل از پایگاه استنادی سیویلیکا، به نشانی اینترنتی؛ <https://www.civilica.com/>

۳ . Recidivism

۴ . Conditioning

۵ . محمد نسل، غلامرضا، نقش برچسب زنی در بزهکاری، روزنامه ایران، شماره ۵۸۴۱، ۱۳۹۳/۱۰/۲۴، به نقل از سایت روزنامه ایران به نشانی اینترنتی؛ <https://www.magiran.com/article/>

۶ . Fine

عدم تحقق اهداف اصلاحی و درمانی در خصوص اطفال و نوجوانان، در تعیین مجازات جایگزین حبس برای جرایم اطفال و نوجوانان مفید و موثر نمی باشد.

دومین تدبیر در راستای قضازدایی در مرحله دادرسی اطفال و نوجوانان، بحث اقدامات تأمینی^۳ می باشد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علیرغم نسخ صریح قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹، در ماده ۱۵۰ اعتقاد خود را به این اقدامات اظهار داشته و مقرر کرده است: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود.»

اقدامات تأمینی به دو طریق از تکرار جرم^۴ جلوگیری می کنند؛

۱. پیشگیری^۵ به وسیله درمان و بازسازی بزهکار؛ البته بازسازی^۶ جزء اهداف مجازات‌ها نیز به شمار می رود و تفاوت آن دو، فقط در نحوه به کارگیری آن هاست. در مجازات علاوه بر بازسازی بزهکاران از هدف‌های دیگر یعنی توان خواهی و ارباب آنان غفلت نمی شود، حال آنکه در اجرای اقدامات تأمینی به شرط کفایت پیشگیری، فقط بازسازی مد نظر است. برای نمونه تدابیر تربیتی درباره اطفال بزهکار، ترک اعتیاد معتادان به مواد مخدر و الکحل، اقدامات تأمینی بازسازگارکننده^۷ محسوب می شوند.^۸

۲. بی اثر ساختن و مراقبت از فرد؛ اثبات‌گرایان^۹ و نخستین طرفداران اقدامات تأمینی، تدابیر خنثی‌کننده و مراقبتی را اقدامات تأمینی فرض می کردند. به عقیده ایشان برای حمایت جامعه از بزهکاران خطرناک، کافی است آن‌ها را در وضعی قرار داد که نتوانند به

۱ . Daily / day fine

۲ . The doctrine of personal punishment

۳ . Security and training measures

۴ . Recidivism

۵ . prevention

۶ . Rehabilitation

۷ . Reconstructive security measures

۸ . اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ چهل، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.

۹ . Positivists

جامعه آسیب برسانند، مانند نگهداری دائمی از بزهکاران به عادت، اخته کردن بزهکاران جنسی^۱، به کار واداشتن ولگردها و....^۲ ایشان تمایلات مجرمان را فطری و جزء ذات آن‌ها تلقی کرده، بهبود این افراد را یک امر تبعی محسوب می‌کردند. به همین جهت، مختل الحواس‌ها بیشتر به خاطر جلوگیری از ایراد آسیب به جامعه محبوس می‌شدند تا به جهت معالجه.

سومین نهاد مورد استفاده در دادرسی اطفال و نوجوانان در راستای توسعه قضازدایی، بسط و گسترش مفهوم گذشت و سازش و اهتمام ویژه قضات دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرائم اطفال و نوجوانان به این موضوع است. در کنار حل و فصل اختلاف‌ها از رهگذر قضاوت (اعم از دادگاه‌های قضایی و داوری)، دو شیوه حل و فصل اختلاف دیگر نیز وجود دارد؛

اول، «سازش یا مصالحه»^۳ که شیوه ای از حل و فصل اختلاف است که مطابق آن طرف‌های دعوا در مورد حل اختلاف‌های خود به توافق می‌رسند و شرایط آن همان شرایط عقد صلح است. به بیان دیگر، رعایت قواعد عمومی قراردادهای و قواعد اختصاصی عقد صلح در اینجا ضروری است. افزون بر آن، در سازش مداخله شخص سوم نیز منتفی است.^۴

در قانون آیین دادرسی مدنی سازش تعریف نشده است. ماده ۳۳۵ قانون سابق آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵) مقرر می‌داشت: «هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی، از دادگاه بخش کتبا یا شفاهاً درخواست نماید که طرف او را برای سازش احضار کند، اگر چه رسیدگی به آن دعوی از صلاحیت دادگاه بخش خارج باشد». اصحاب دعوی نیز می‌توانند با تراضی، از دادرسی دادگاه بخش درخواست برقراری سازش کنند.^۵ پس درخواست سازش اعم است از اینکه به شکل دعوی در دادگاه طرح شده یا نشده باشد.^۶ بخش اول این تعریف با اندکی تغییر در ماده ۱۸۶ آیین دادرسی مدنی جدید (مصوب

۱. Castration

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. Compromise

۴. حیاتی، علی عباس، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۹.

۵. ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی سابق.

۶. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۴۴۶.

۱۳۷۹/۱/۲۱) آمده است: «هر کس می تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند».

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مبحث سازش از ماده ۱۷۸ شروع می شود، ولی این ماده تعریفی از سازش ارائه نمی دهد. شاید بتوان در تعریف سازش گفت: «تعیین تکلیف اختلاف مدنی از طریق توافق بین طرفین سازش نامیده می شود». می توان از سازش، به نوعی مصالحه را استنباط کرد. خصوصیت سازش آن است که دادرسی در هر مرحله که باشد آن را خاتمه می دهد. بنابراین با تحقق سازش ادامه دادرسی حتی با امتناع یک طرف سازش معنی نخواهد داشت.^۱ هم چنین می توان گفت: «سازش در آیین دادرسی مدنی توافق و تسالم دو طرف دعوی (در دادگاه یا خارج دادگاه) برای فیصله دادن و پایان دادن به منازعه بین خود است».^۲ بر این اساس به طور خلاصه، سازش در جریان دادرسی به تراضی طرفین دعوی بر فیصله نزاع معین در دادگاه با دخالت دادرس دادگاه گفته می شود.^۳

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، ماده ۱۹۵ اصلاح ذات البین را پیش بینی کرده بود که براساس آن: «در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند، دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات البین به عمل می آورد».

مقتن برقراری صلح و سازش میان طرفین دعوا را در جرایم قابل گذشت مورد تأکید قرار داده است و در جرایم قابل گذشت یعنی جرایمی که با گذشت شاکی و متضرر از جرم تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می شود، گذشت باید به صراحت و بدون هیچ قید و شرطی باشد؛ بنابراین به گذشت مشروط و معلق در مراجع قضایی ترتیب اثر داده نخواهد شد و پس از اعلام صلح و سازش و گذشت، شاکی (بزه دیده) دیگر نمی تواند از گذشت خود عدول کند. در جرایم غیر قابل گذشت هم بزه دیده می تواند به منزله مدعی خصوصی و از حیث ضرر و زیان ناشی از جرم با طرف دیگر جرم وارد مذاکره و سازش شود. بنابراین برخلاف دعوای خصوصی که متعلق به زیان و خسارات ناشی از جرم است، دعوی عمومی، حق مدعی العموم یا دادستان می باشد. در نتیجه دادستان یا هر مقام قضایی دیگری که

۱. مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۲۳۷.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، واژه ۷۸۸۵، ص ۲۱۲۰.

۳. همان، واژه ۲۷۸۵، ص ۳۴۸.

عهده دار امر تعقیب است، مکلف می باشد دعوی عمومی را به جریان انداخته و تا رسیدن به نتیجه نهایی آن را پیگیری کند. بنابراین امکان صلح و سازش بین دادر و دادگاه با متهم وجود ندارد، اما در جرایم غیر قابل گذشتی که شاکی خصوصی نیز وجود دارد، مانند سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت و... اعلام گذشت شاکی در تخفیف مجازات متهم موثر می باشد.

درخواست سازش و تحقق آن برعهده طرفین دعوا است و قاضی دادگاه صرفا مجاز به تشویق به سازش است و اجباری برای پذیرش سازش و حضور در جلسه سازش نیست. از ظاهر ماده مذکور چنین استنباط می شود که تلاش و جهد لازم برای اصلاح ذات البین، تکلیف دادگاه است و دادگاه در صورتی حق صدور رای را دارد که قبلا چنین تلاشی کرده باشد.

بنابراین برای اینکه ایرادی متوجه دادرسی دادگاه نباشد، باید این تلاش و جهد در صورت جلسه دادگاه قید شود و طرفین آن را امضا کنند. اصطلاح ذات البین منحصر به مواردی است که با سازش، پرونده خاتمه پیدا کند. چنانچه موضوعاتی همچون کلاهبرداری یا خیانت در امانت از جرایم غیر قابل گذشت باشند که حتی با حصول سازش پرونده قابل مختومه گردیدن نباشد، نباید قاضی را مکلف به تلاش و کوشش در صحت حصول سازش دانست، مگر اینکه اهتمام برای حصول سازش را منصرف به جنبه خصوصی جرم بدانیم.^۱

ماده ۷ اعلامیه اصول اساسی عدالت^۲، بر پایه یک الگوی عدالت ترمیمی پیش بینی می کند که برای آسان کردن سازش و جبران خسارت از بزه دیدگان باید از سازوکارهای غیررسمی حل اختلاف مانند میانجیگری، دادرسی، عدالت سنتی یا روش های بومی، متناسب با شرایط بهره برداری کرد.

سازوکارهای غیرقضایی حل اختلاف همواره از دیرباز وجود داشته اند و در بسیاری از مناطق جهان از جمله آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین، در سطح گسترده ای به کار می رفته و می روند. بر این پایه می توان رسیدگی های غیررسمی شامل میانجیگری و سازش را با درخواست دو طرف اختلاف بنیان گذاشت یا تقویت کرد و در برخی موارد نیز از اجتماع

۱. زراعت، عباس و مهاجری، علی، آئین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۵، صص ۱۰۰-۱۰۱.

۲. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, (۲۹ November ۱۹۸۵)

محلی در تصمیم‌گیری‌ها یاری گرفت.

با توجه به وضعیت موجود بهتر است قانونگذار این نهاد را از مرحله شروع تا خاتمه فرایند تعقیب پیش بینی کند تا فرصت تصمیم‌گیری بیشتری برای طرفین دعوا ایجاد شود. از طرف دیگر در صورت حصول سازش در مراحل اولیه تعقیب، از تقبل هزینه‌های زمانی، اقتصادی و هزینه‌های ناشی از به‌کارگیری نیروی انسانی در قوه قضاییه جلوگیری می‌شود و بزه دیده در مدت زمان کمتر و با صرف هزینه‌های کمتر به نتیجه مطلوب می‌رسد و در صورت امکان متهم از مظان اتهام رهایی می‌یابد. نکته قابل توجهی که بایستی به آن اشاره نمود آن است که تسهیل‌کنندگان امر سازش با دریافت آموزش‌های لازم و توجه به پرونده شخصیت طرفین دعوا، در جلسات شرکت کنند.

بر این اساس چهارمین نهاد در راستای توسعه مفهوم قضا‌دایی در دادرسی اطفال و نوجوانان را، می‌توان ارجاع به میانجی‌گری^۱ دانست. نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در خصوص تحقق آموزه‌های عدالت ترمیمی، ارجاع دعوا توسط مقام قضایی به یکی از نهادهای میانجی‌گری است. در جرایم تعزیری درجه‌های شش، هفت و هشت که قابل تعلیق هستند، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و با جلب موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین مناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. هم چنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه ای جهت میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری از سه ماه بیشتر نخواهد بود. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری^۲ باشد،

۱. intercession/ interceding/ mediation

۲. قانون مجازات اسلامی در تبصره ماده ۴۱، در خصوص محکومیت موثر بیان می‌دارد: «محکومیت موثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند»، ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته:

«محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده

مقام قضایی می تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال به حالت تعلیق درآورد. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده ۸۱^۱ این

محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

الف. هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب. سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی^۲ علیه باشد، نفي بلد و حبس تا درجه چهار

پ. دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی^۳ علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.^۴

۱. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقرر می دارد: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد، دادستان می تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستور های زیر می کند:

الف. ارائه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده

ب. ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه

پ. خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یکسال

ت. خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یکسال

ث. معرفی خود در زمان های معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یکسال

ج. انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یکسال

چ. شرکت در کلاس ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یکسال

ح. عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یکسال

خ. عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال

د. عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین

ذ. ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه

تبصره ۱. در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضائی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می کند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند.

تبصره ۲. قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

تبصره ۳. هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت

قانون حسب مورد مکلف به اجرای برخی دستورات موضوع ماده مذکور می‌کند. هم چنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.^۱

بند سوم: پاسخ‌های اصلاحی - تربیتی

هرچند در قوانین کیفری، اطفال فاقد مسئولیت کیفری شناخته شده اند، لیکن با این وجود، برای جلوگیری از بزهکاری مجدد آنها و حمایت جامعه از جرایم آنها، پیش بینی تدابیر و اقداماتی در جهت اصلاح آنها مفید به نظر می‌رسد. پاسخ‌های اصلاحی و تربیتی را می‌توان پاسخ‌هایی دانست که هدف اصلاح اخلاقی را از طریق آموزش در مراکز ویژه اصلاح و تربیت دنبال می‌کند. این رویکرد را شاید بتوان از جمله سنتی ترین رویکردهایی دانست که در زمینه پاسخ به بزهکاری اطفال وجود داشته است.^۲ در مورد پاسخ‌های اصلاحی - تربیتی قابل اعمال نسبت به اطفال بزهکار می‌توان به مواردی همچون، مراجعه به مددکار اجتماعی یا روانشناس و همکاری با آنان، فرستادن طفل به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، اقدام لازم در جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین و.... تدابیر مذکور باید به توسط والدین یا اولیاء و یا سرپرست قانونی انجام شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۸۸، به برخی از پاسخ‌های اصلاحی - تربیتی اشاره شده است؛

- تسلیم به والدین یا سرپرستان قانونی (بخش الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی)
- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین (بند ۵ بخش الف ماده ۸۹

مرور زمان محسوب نمی‌شود.

تبصره ۴. بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.
تبصره ۵. در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند.

تبصره ۶. قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

۱. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۷۳.

قانون مجازات اسلامی).

بارزترین نمود و جلوه پاسخ‌های اصلاحی تربیتی به جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان، استفاده از مجازات‌های تأمینی و تربیتی می باشد که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علیرغم نسخ صریح قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹، در ماده ۱۵۰ اعتقاد خود را به این اقدامات اظهار داشته و مقرر کرده است: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتكاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود، چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود.»

مهمترین هدف اقدامات تأمینی، پیشگیری از وقوع جرم است. دلیل توسل به اقدامات تأمینی این است که گاهی واکنش عادی در مقابل جرم (یعنی همان مجازات ها) قادر به تأمین هدف پیشگیری از جرم مخصوصاً در مورد افراد غیرمسئول و نیمه مسئول نیست. اقدام تأمینی، بر مبنای حالت خطرناکی^۱ که فرد نشان می دهد استوار است، یعنی احتمال فراوانی وجود دارد که فرد مرتکب جرم شود، پس باید طوری عمل کرد که جرایم احتمالی واقع نشوند. البته به نظر می رسد همانطور که عده‌ای از حقوقدانان اشاره کرده اند، اقدامات تأمینی بر خلاف مجازات‌ها بایستی جنبه اربابی نداشته باشد و هدف جلوگیری از طریق تربیت، آموزش و... تحقق پیدا کند نه از راه ارباب.

اقدامات تأمینی به دو طریق از تکرار جرم جلوگیری می کنند؛

۱. پیشگیری به وسیله درمان و بازسازی بزهکار. البته بازسازی جزء اهداف مجازات‌ها نیز به شمار می رود و تفاوت آن دو فقط در نحوه به کارگیری آن هاست. در مجازات علاوه بر بازسازی بزهکاران از هدف‌های دیگر یعنی توان خواهی و ارباب آنان غفلت نمی شود؛ حال آنکه در اجرای اقدامات تأمینی به شرط کفایت پیشگیری، فقط بازسازی مد نظر است. برای نمونه تدابیر تربیتی درباره اطفال بزهکار، ترک اعتیاد معتادان به مواد مخدر و الکحل، اقدامات تأمینی بازسازگارکننده محسوب می شوند.^۳

۱. Dangerousness

۲. استفانی، گاستون و دیگران، منبع پیشین، ص ۶۱۰.

۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۱۳۵.

۲. بی اثر ساختن و مراقبت از فرد. اثبات‌گرایان و نخستین طرفداران اقدامات تأمینی، تدابیر خنثی‌کننده و مراقبتی را اقدامات تأمینی فرض می‌کردند. به عقیده ایشان برای حمایت جامعه از بزهکاران خطرناک کافی است آن‌ها را در وضعی قرار داد که نتوانند به جامعه آسیب برسانند، مانند نگهداری دائمی از بزهکاران به عادت، اخته کردن بزهکاران جنسی^۱، به کار واداشتن ولگردها و....^۲ ایشان تمایلات مجرمان را فطری و جزء ذات آن‌ها تلقی کرده، بهبود این افراد را در یک امر تبعی محسوب می‌کردند. به همین جهت، مختل الحواس‌ها بیشتر به خاطر جلوگیری از ایراد آسیب به جامعه محبوس می شدند تا معالجه. در قوانین پیشین فرانسه نیز این گونه تدابیر بسیار به چشم می خورد؛ مثلاً ماده ۴۴ مجازات سابق فرانسه اجازه می داد محکومان جنایی و محکومان به وارد کردن لطمه به امنیت کشور، بعد از اتمام محکومیت «تحت نظر پلیس» قرار بگیرند.^۳ در کشور ما تبعید بزهکاران به عادت و اقامت اجباری در مکان‌های خاص و یا منع از اقامت در برخی مکان‌ها به همین منظور وضع شده اند.

باید توجه داشت، در اکثر موارد یک اقدام تأمینی هر دو هدف را دنبال می‌کند. طبق نظریه پیشگیری عام و خاص، هرگونه اقدامی ناظر به پیشگیری از جرم در جامعه است و در عین حال مجرم را از ارتکاب بزه جدید باز می دارد؛ مثلاً معتادی که با توسل به اقدامات تأمینی تحت درمان قرار می‌گیرد، هم خطر اجتماعی اعتیاد را محدود می‌کند و هم خود با درمان شدن پس از ورود به جامعه با نگاه‌های خصمانه مردم مواجه نمی شود.^۴ هم چنین تدابیر درمانی نسبت به بزهکاران مبتلا به بیماری‌های روحی اثر پیشگیرانه دارد، ولی در عین حال با نگه داشتن بیماران مذکور، پیشگیری با خنثی کردن حالت خطرناک آن‌ها نیز حاصل می شود.^۵

نکته قابل توجه اینکه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مانع استفاده اقدامات تأمینی در مورد افرادی که دارای حالت خطرناک هستند ولی در گذشته مرتکب جرم نشده اند می

۱. Castration

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. استفانی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۶۱۱.

۴. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۵۳۵.

۵. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، پیشین، ص ۱۳۵.

شود. زیرا تشخیص حالت خطرناک یک مفهوم ذهنی و نسبی است و به طریق علمی امکان تشخیص آن وجود ندارد.^۱ این برداشت مطابق با ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در همین رابطه بیان می‌کند: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم مجنون باشد....»

بند چهارم: پاسخ‌های تنبیهی - کیفری

در حوزه حقوق کیفری، برداشت‌های اولیه از اصطلاح پیشگیری^۲، با تکیه بر مفاهیم رنج و ارعاب، ممانعت از وقوع مجدد جرایم را تنها از رهگذر اعمال اقدامات و تدابیر کیفری دنبال می‌نمودند، چنانکه مطالعات و یافته‌های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری، بیان‌گر این مطلب است که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از «مجازات»^۳، به ویژه از گونه بدنی آن، استفاده می‌کرده‌اند.^۴ بر این اساس پیشگیری در مفهوم «واکنشی»^۵ یا «پیشگیری کیفری»^۶ یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای کنترل جرم است که اصولاً در انحصار دولت قرار دارد و به جامعه مدنی واگذار نمی‌شود و دولت‌ها با جرم‌انگاری رفتارهای نقض‌کننده نظم عمومی و پیش‌بینی کیفرهای گوناگون برای این رفتارها به مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از جرم می‌پردازند.

بنابراین پیشگیری واکنشی یا کیفری که از نظر ماهوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام»^۷ و «پیشگیری واکنشی خاص»^۸ تقسیم می‌شود. پیشگیری واکنشی عام، یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قرار دادن

۱. صانعی، پرویز، منبع پیشین، ص ۱۸۹.

۲. Prevention

۳. penalty / punishment / retribution

۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، سال ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.

۵. reaction

۶. Penal Prevention

۷. Common Prevention

۸. Special Prevention

شهروندان از طریق ربع انگیزی و عبرت آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است.^۱

بر این اساس منظور از پیشگیری عام، استفاده از جنبه‌های ارعاب‌آمیز حقوق کیفری به ویژه مجازات است با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید، لذا قانونگذار با جرم انگاری برخی رفتارها همچون سرقت و قاچاق و... و تعیین مجازات برای مرتکبین اینگونه اعمال و ترساندن افرادی که در صورت نبودن مجازات ممکن است برای ارتکاب جرم وسوسه شوند، از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. به نظر می‌رسد که اولین شیوه‌های پیشگیری بر بالا بردن هزینه کیفری و افزایش مجازات‌ها، مبتنی بوده است. در این شیوه‌ها با شدت بخشیدن و خشونت شدید، از طریق ارعاب و عبرت‌آموزی، سعی بر کنترل جرم در جامعه داشته‌اند. در این روش‌ها با حذف و طرد بزهکار، امکان تکرار جرم عملاً منتفی می‌شود.

در مقابل، پیشگیری واکنشی خاص، یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با ربع انگیزی و عبرت آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است. در پیشگیری واکنشی خاص، مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته دیگر بار توسط مجرم تکرار نگردد.^۲ بر این اساس منظور از پیشگیری کیفری خاص از جرم، پیشگیری از تکرار بزه توسط بزهکار است، که با اصلاح مجرمین که طبق قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف قوه قضاییه است، محقق می‌شود. همچنان که طبق ماده ۳ آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور^۳، هدف از نگهداری محکومان در زندان، حرفه آموزی، بازپروری و بازسازگار سازی آن‌ها است. با این همه نظام کیفری و مداخله آن به مناسبت وقوع جرم، از شمول پیشگیری خارج است، زیرا پیشگیری امری کنشی است، حال آنکه نظام کیفری از نظر ماهیت، بعد از وقوع جرم مداخله می‌کند و جنبه واکنشی دارد. مداخله نظام کیفری و اعمال مجازات، تشریفات دادرسی قضایی و حضور پلیس در جامعه بی‌تردید در پیشگیری از جرم نقش دارد، اما این

۱ نیازپور، امیر حسن، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره های ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۷۲-۱۷۰.

۲ بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۹۱، ص ۳۱.

۳ مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰.

پیشگیری کیفری ناشی از عبرت آموزی مجازات هاست. حال آنکه در پیشگیری، اقداماتی مدنظر است که قبل از وقوع جرم به کار گرفته می شوند.

با عنایت به دستاوردهای علوم جنایی و جرم شناسی که در اسناد بین المللی حقوق کودک متجلی گردیده است، صرفاً دو نوع واکنش تنبیهی علیه رفتار بزهکارانه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تحت شرایط و ویژگی‌های مخصوص پیش بینی شده است. این دو واکنش عبارتند از: محرومیت از آزادی با نگهداری در مؤسسات و یا کانون‌های اصلاح و تربیت^۱ و پرداخت جزای نقدی معین. غالب نظام‌های حقوقی کشورها فقط واکنش‌های تنبیهی مزبور را پیش بینی کرده اند. «محرومیت از آزادی^۲» به معنی هرگونه بازداشت یا حبس، صرفاً باید در مورد نوجوانانی که دارای حد جنسی معینی اند و از نوعی مسئولیت نسبی^۳ به لحاظ رشد جسمی، ذهنی و عاطفی برخوردارند، اعمال گردد.^۴ مؤسسات محل نگهداری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی باید به شیوه‌های علمی که متضمن اصلاح و تربیت و بازسازگاری اجتماعی آنان باشد، مدیریت شود. در «قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی^۵» مصوب ۱۹۹۰ میلادی، شرایط دقیقی در زمینه مدیریت مؤسسات مزبور پیش بینی شده است و دولت‌های ملحق به کنوانسیون حقوق کودک، باید این شرایط را در مدیریت مؤسسات رعایت کنند. دومین واکنش تنبیهی یعنی پرداخت «جزای نقدی معین» به خزانه دولت وقتی باید اعمال گردد که قاضی احراز کند، کودک یا نوجوان معارض با قانون متمکن به پرداخت است؛ چرا که محکوم کردن والدین به این واکنش، فاقد اثر تنبیهی نسبت به کودک یا نوجوان است.^۶

با در نظر گرفتن تمامی توضیحات پیش گفته، اصولاً با عنایت به مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، در قبال جرایم اطفال و نوجوانان، یک نوع پاسخ تنبیهی-کیفری می توان در نظر گرفت، که عبارت است از مجازات ها، که به صورت جداگانه تشریح و

۱ . Borstal / Young Offenders Institute

۲ . Deprivation of liberty

۳ . Relative criminal liability

۴ . شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، منبع پیشین، ص ۲۰۷.

۵ . United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of Their Liberty

۶ . وینتر، رناته، روش های جایگزین نقش آفرینان، ترجمه حمید مرعشی، کارگاه آموزشی ویژه نوجوانان (مجموعه سخنرانی)، تهران، ۱۳۷۸، ص ۹۰.

بررسی می گردد.

«مجازات»^۱ را در لغت به معنای پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنا نمودند.^۲ مستفاد از قانون مجازات اسلامی، منظور از مجازات، ضمانت اجرای ارتکاب جرم است که در قانون تحت عنوان «مجازات» توسط مراجع ذی صلاح رسیدگی به دعاوی کیفری، برای مرتکب آن در نظر گرفته می شود.^۳ برخی مجازات را این گونه تعریف کرده اند: «آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است بر طبق قانون تعیین می کند.» از جمله اصلی ترین و مهمترین مجازات ها، «مجازات حبس»^۴ است. حبس در قانون تعریف نشده است، ولی ماده ۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴، در تعریف زندان^۵ مقرر می دارد: «محلی است که محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام های صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازگاری نگهداری می شوند.»

در تاثیر مجازات بایستی عنوان نمود که مجازات ها با ایجاد ترس در توده مردم، مانع ارتکاب همان جرم در آینده توسط دیگران می شوند. البته تاثیر مجازات ها از نظر جلوگیری از وقوع جرم، بیش از آنکه مربوط به ترس از صدمه احتمالی ناشی از مجازات (مثل چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد. اگر جامعه، عمل و پدیده ای را جرم و مذموم بداند و نسبت به آن

۱. penalty / punishment / retribution

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۲، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

۳. باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶.

۴. منظور از حبس در اصطلاح حقوقی: «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوری که در آن، حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار داشته باشد آن را توقیف گویند». (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، منبع پیشین، ص ۱۶۱۴).

۵. برخی بر این باورند که نخستین زندان را حضرت علی (ع) از بویا و نی ساخت و پس از آنکه متهمان از آن گریختند، زندان دیگری از گل و سنگ ساخت و نامش را «مخیس» گذاشت. (ابن کثیر، عمادالدین، البدایه و النهایه، بیروت: مکتب المعارف، ۱۴۱۰ق، ص ۹۲. شافعی، رضوان، الجنایات المتحدده بین القانون الشرعیه، مصر: المطبعه السلفیه، ۱۳۹۸ق، ص ۶۸).

واکنش نشان دهد، جنبه بازدارندگی جرم^۱ خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، فعلی را جرم بداند ولی جامعه آن را ناپسند نداند. مثلاً در مورد فرار از پرداخت مالیات^۲ اگرچه قانون آن را جرم شناخته، این فعل قبح زیادی در جامعه ندارد. به طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزایی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده، بستگی کامل و قطعی به میزان هماهنگی هنجارها و مجازات‌های جزایی با ارزش‌های فرهنگی جامعه دارد.^۳

مجازات‌ها باعث می‌شوند مرتکب جرم به علت تحمل سختی و مشقت مجازات در آینده، از ارتکاب جرم خودداری کند. البته در برخی موارد مجازاتی مانند حبس به جای آنکه تأثیر بازدارنده داشته باشد، خود، عامل بزهکاری می‌گردد^۴، مثل سارق بی تجربه ای که با افتادن به زندان به سارق حرفه ای تبدیل می‌شود. مجازات حبس کوتاه مدت دارای معایبی است و مشکلات فراوانی را برای دولت‌ها و مردم ایجاد می‌کند که مقاصد مثبت این نوع مجازات را نسبت به مضار آن به شدت کاهش می‌دهد^۵، این معایب که از آنها تحت عنوان «آسیب‌های ناشی از مجازات زندان» نام برده می‌شود، از جمله، تأثیر سوء زندان بر شخصیت زندانی، آموزش و انتقال جرایم، پایین بودن سطح بهداشت و اخلاق و... است، با این حال گرایش جدیدی در استفاده از مجازات‌های کوتاه مدت زندان، البته نه به عنوان تنبیه یا اصلاح محکوم، بلکه با هدف مداخله آنی جامعه در جهت ایجاد یک ضربه روانی سودمند، به وجود آمده است^۶، به همین خاطر، جز در موارد استثنائی، از مجازات حبس، به ویژه مجازات حبس کوتاه مدت، نباید استفاده کرد. به هر حال انتظار دست کشیدن از اعمال مجرمانه، همیشه مطابق با واقع نیست، زیرا تأثیر بازدارندگی مجازات‌ها بر حسب وضع روانی و اجتماعی شدت و ضعف دارد. چرا که همه بزهکاران از شخصیت واحد و ساختار

۱. Deterrence Crime

۲. Tax evasion

۳. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، منبع پیشین، ص ۱۶۰.

۴. همان، ص ۱۶۴.

۵. برای اطلاع بیشتر از انتقادات مطروحه به مجازات حبس، رجوع کنید: منصورآبادی، عباس، «زندان راه حل یا مشکل»: مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۶ الی ۹۵.

۶. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۹۵، ص ۹۸.

روانی یکسان برخوردار نیستند؛ هم چنین بر حسب ماهیت جرم و میزان قبح اجتماعی یک عمل، میل و کشش به ارتکاب مجدد جرم نیز در افراد متفاوت است. یکی دیگر از اهداف و کارکردهای مجازات، «ناتوان سازی»^۱ است و مبتنی بر این استدلال است که اصلاح در خصوص مجرمین کارساز نیست و مجرم تا زمانی که توانایی دارد، مرتکب جرم خواهد شد. جامعه برای حمایت خود از این مجرمین باید آن‌ها را ناتوان ساخته یا از خود طرد کند.^۲ قانونگذاران کیفری با تعیین برخی مجازات‌ها، توانایی‌های مادی مجرم را از بین می‌برند و او را از تکرار جرم منصرف می‌کنند. کیفر مرگ، زندان‌های بلند مدت، قطع عضو، تبعید و یا نفی بلد می‌تواند مصادیقی از این نوع مجازات‌ها باشد. «ناتوان سازی» رابطه بین مجرم که انگیزه کافی برای ارتکاب جرم را دارد با فرصت‌های ارتکاب مادی جرم را از بین می‌برد؛ مانند تبعید مجرم کودک آزار از مکانی که محل بازی اطفال بی دفاع است. همچنین ناتوان سازی به گذشته توجهی ندارد و به جرم ارتکاب یافته نمی‌پردازد، بلکه در تلاش است تا از جرم‌های بیش‌تر در آینده پیش‌گیری کند. تدابیری که ناتوان سازی جهت پیش‌گیری از جرم به کار می‌برد، شامل از بین بردن رابطه بین جرم و موقعیت ارتکاب آن و از بین بردن توانایی مادی مجرم جهت تکرار آن است. بر اساس آموزه‌های ناتوان سازی، تعیین مجازات شدید برای دو جرم که از نظر شدت متفاوت هستند، اشکالی ندارد. زیان اجتماعی ناشی از جرم ارتكابی تفاوتی ندارد و در صورت برخورداری هر دو مجرم از فرصت برابر ارتکاب جرم، تعیین مجازات یکسان معقول‌ترین اقدام است، بنابراین راهبردهای کنترل جرم از طریق ناتوان سازی این قابلیت را دارد که به صورت تبعیض‌آمیز در خصوص افرادی که مرتکب جرائم شدید می‌شوند، اعمال شود.^۳ ناتوان سازی همان‌طور که پیش‌تر بیان شد از رهگذر مادی، امکان بزهکاری مجرم را سلب می‌کند. به عبارتی، مجرمی که در زندان است دیگر توانایی ارتکاب جرم در جامعه آزاد را ندارد. همچنین ترس از مجازات باعث می‌شوند مجرم از ارتکاب جرم در آینده خودداری کند، پس افراد جامعه کمتر قربانی جرم قرار می‌گیرند.

۱ . Incapacitation

۲ یزدیان جعفری، جعفر، چرایی و چگونگی مجازات، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۹۲.

۳ . Monahan, John, "The future of violence Risk Management In the future of imprisonment, edited by Michael Tonry. New York: oxford university press, ۲۰۰۴, p ۶۵.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان قشر آسیب پذیر جامعه هستند و نیاز به حمایت دارند و رسالت حقوق نیز حمایت از افراد ضعیف جامعه است، بر همین اساس توجه به مسائل اطفال و نوجوانان در تمامی کشورها از اهمیت بسیاری برخوردار است. بیشتر استانداردهای بین المللی، دولت‌ها را برای ایجاد آیین های دادرسی، تأسیس نهادهای مستقل یا اختصاصی و ویژه برای رسیدگی به پرونده هایی که در آن اطفال و نوجوانان متهم هستند، تشویق می کنند. از آنجا که «سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان»^۱ الگوی کیفری مطلوب سازمان ملل متحد و اکثر نظام‌های حقوقی دنیا است، برای تحقق الگوی مذکور، باید یک سیستم دادرسی اختصاصی برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شود، که در این سیستم اختصاصی دادگاه ها، قضات ضابطین و مشاوران و کلیه افراد دخیل در فرآیند دادرسی (منظور افراد وابسته به تشکیلات قضایی) هم باید دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و اختصاصی باشند. علاوه بر این، در فرایند صدور حکم و تعیین کیفر بایستی ضوابطی بیش از پیش مدنظر قضات قرار گیرد که از جمله مهمترین آنها، فردی کردن مجازات و متناسب سازی آن با حالات و روحیات و شخصیت و... طفل یا نوجوان است.

بر این اساس لازم است در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان قضاتی با تخصص حقوق جزا و جرم شناسی^۲ که دارای اطلاعاتی در زمینه اطفال و نوجوانان هستند، به پرونده‌ها چه در دادگاه اطفال و نوجوان و چه در دادرسی ویژه رسیدگی نمایند. همچنین در خصوص اقدامات پس از دادرسی در مورد اطفال و نوجوانان، باید گفت که در راستای مراقبت های ویژه از اطفال و نوجوانان پس از خروج کودک از کانون اصلاح و تربیت لازم است بر وضعیت زندگی وی نظارت شود و این امر به ویژه در مورد کودکان بی سرپرست و بدسرپرست که قشر عظیمی از کودکان بزهکار را تشکیل می دهند، ضرورت دارد.

۱ . Juveniles' Differential Criminal Policy

۲ . Criminal law and criminology

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتب

- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ چهل، ۱۳۹۵.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۹۵.
- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- حیاتی، علی عباس، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، بی‌تا.
- دانش، تاج الزمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۲، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.

- زراعت، عباس و مهاجری، علی، آئین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۵.
- محسنی تبریزی، علی، وندالیسم، تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳.
- مختارزاده، میثم، قانون یار حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات چتر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- مشکانی، زهراسادات و رضوی، منصور، کتاب جامع بهداشت عمومی (فصل ۱۲؛ بزهکاری به عنوان آسیب اجتماعی)، جلد سوم، تهران: انتشارات ارجمند، چاپ چهارم، ۱۳۹۸.
- منصورآبادی، عباس، «زندان راه حل یا مشکل»: مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، (دیباچه در حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد (مریم عباسچی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
- وایت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- ولد، جرج، برنارد توماس و جفری اسنیپس، جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- یزدیان جعفری، جعفر، چرایی و چگونگی مجازات، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱.

- رساله

- ریاحی، جواد، مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام، رساله دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

- مقالات

- ابراهیمی، پیمان، بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

- ابول اسال، ژان، جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۹.

- اردبیلی، محمدعلی، نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۵.

- بقائی نظرلو، فرید و طالونی، سهیل، مباشرت و ظهور اصل فردی کردن مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۹.

- جانسون، گری، عدالت ترمیمی؛ شرم و بخشش، مترجمان حسین سمیعی زنوز و مجتبی نقدی نژاد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۹.

- جمشیدی، علیرضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.

- حاجی ده آبادی، احمد، قاعده درا در فقه امامیه و حقوق ایران، مجله فقه و حقوق، شماره ۶، ۱۳۸۴.

- حجتی، مهدی، تحول واکنش اجتماعی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۵، ۱۳۸۰.

- خواجه نوری، یاسمن، سیاست جنایت قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار؛ جلوه‌ها و چالش‌ها و آثار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴، ۱۳۸۶.

- محمدی، شهرام و رستگار مهجن آبادی، محمدباقر، اصل رقابت در دادرسی کیفری در پرتو نظام حقوقی فرانسه و ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره دوم، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

- مشکاتی، زهراسادات، آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان در

تهران بزرگ، مجله دانشکده پزشکی، شماره ۳، ۱۳۷۷.

- مقیمی حاجی، ابوالقاسم، فلسفه مجازات در اسلام (۱)، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۶.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، سال ۱۳۷۸.

- نیازپور، امیر حسن، حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

- وینتر، رناته، روش‌های جایگزین نقش آفرینان، ترجمه حمید مرعشی، کارگاه آموزشی ویژه نوجوانان (مجموعه سخنرانی)، تهران، ۱۳۷۸.

- هاشمی، سیده فاطمه، نظریه برجسب زنی در حقوق کیفری ایران، سومین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان، دبیرخانه دائمی همایش، ۱۳۹۷، به نقل از پایگاه استنادی سیویلیکا، به نشانی اینترنتی؛ <https://www.civilica.com/>

ب) منابع خارجی

- Brownlee, Ian; Community Punishment: A Critical Introduction; First edition, London: Longman, ۱۹۹۸.

- Monahan, John, "The future of violence Risk Management In the future of imprisonment, edited by Michael Tonry. New York: oxford university press, ۲۰۰۴.

- Webster Argow, Walter, A Criminal Liability Index for Predicting Possibility of Rehabilitation, Journal of Criminal Law and Criminology, Vol. ۲۶, No ۴, ۱۹۳۵.